

انتخابات، فرصت‌ها و چالش‌های امنیتی

دکتر قاسم حبیب‌زاده^۱

چکیده

نظام اسلامی مبتنی بر مردم‌سالاری شکل گرفته است و در طول عمر پربرت خود همواره بر عهد خود با مردم پایبند بوده و انتخاب مسئولان نظام را در سطوح مشخص‌شده در قانون اساسی، به عهده مردم گذاشته و حتی در سخت‌ترین شرایط دفاع مقدس، حق مردم را در انتخاب نمایندگان خویش و یا رئیس‌جمهور کشور نادیده نگرفته است. روش مردم‌سالارانه حاکمیت، در کنار فرصت‌های بی‌بدیل آن، حامل آسیب‌هایی نیز هست که منتج از عملکرد خارج از قاعده و قانون برخی از نامزدهای انتخاباتی می‌باشد. فرصت‌هایی نظیر تعمیق و ارتقاء امنیت مردم پایه، استحکام ساخت قدرت درونی نظام، افزایش سرمایه اجتماعی و مقبولیت نظام، با آسیب‌هایی همچون نفوذ و استحاله، اعتبار زدایی از نظام با اتهام زنی برخی نامزدها، دو قطبی‌سازی جامعه و افزایش مطالبات انباشته‌شده به خاطر وعده‌های بی‌مبنای نامزدهای انتخاباتی، درهم آمیخته است، آسیب‌هایی که مستقیماً امنیت جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شناخت و تقویت فرصت‌ها و بهره‌گیری از آن‌ها در تعمیق امنیت جامعه و درک آسیب‌های امنیتی انتخابات و برنامه‌ریزی برای کاهش یا برطرف کردن آن‌ها، نیازمند هوشیاری، فرهنگ‌سازی و آگاهی بخشی به جامعه و نامزدهای انتخاباتی است.

واژگان کلیدی

مردم‌سالاری، انتخابات، امنیت

۱. پژوهشگر مسائل سیاسی و امنیتی و مدرس دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (ع)



اصل ششم قانون اساسی تأکید دارد: «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکا آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخابات رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراهای و نظایر اینها، یا از راه همه پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می گردد.»

اصل فوق به صراحت بر مردم سالاری دینی در اداره امور کشور اذعان دارد و این واقعیتی است که نظام اسلامی در دنیایی که نظام سلطه و متحدان آن دائماً در حال توطئه چینی علیه آن هستند، سرمایه و قدرتی جز حمایت و پشتیبانی مردم ندارد. ساختار حکومت اسلامی ایران به گونه ای است که مشروعیت آن منبعث از شرع مقدس است اما مقبولیت و فعلیت آن مستظهر به حمایت و پشتیبانی مردم است.

برگزاری انتخابات متعدد در کشور برای تعیین رئیس جمهور، نمایندگان مجلس خبرگان، نمایندگان مجلس و شوراهای شهر و روستا همواره تضمین کننده گردش خبرگان و مدیران در جامعه است و بعد از هر انتخاباتی، موج جدیدی از ایده ها، روش های نو و امیدواری برای اصلاح امور در جامعه پیدا می شود و این فرصت گران بهایی است که باید قدر آن را پاس داشت. درواقع این از برکات انقلاب اسلامی است که «مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه های داخلی، حضور در صحنه های ملی و استکبارستیزی را به اوج رسانید.» (رهبر معظم انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

اما در کنار فرصت ها، آسیب ها و تهدیدهایی نیز از ناحیه انتخابات می تواند شکل گیرد. به عبارت دیگر دشمنان و مخالفان نظام اسلامی که از اول انقلاب همواره بر طبل تحریم انتخابات می کوبیدند، چند سالی است که تغییر رویه داده و در هر انتخاباتی فعال تر از قبل حضور یافته و اهداف خود را در تغییر رفتار حاکمیت، از طریق انتخابات دنبال می کنند.

انتخابات همواره تضمین کننده امنیت ملی و منافع ملی کشور بوده است، اما در برخی موارد چالش های ایجاد شده در انتخابات، بسیار عمیق و نگران کننده بوده و امنیت جامعه را با مخاطره مواجه کرده است، از این رو بررسی عوامل فرصت آفرین و شناخت





عوامل تهدید را در بطن انتخابات اهمیت زیادی دارد. شناخت این فرصت‌ها این پیام را خواهد داشت که به بهانه جلوگیری از آسیب‌ها یا تهدیدات انتخابات، جامعه را از فرصت‌های آن محروم نکنیم و درک آسیب‌ها و تهدیدات آن به ما کمک خواهد کرد که در عین مراقبت از فرصت‌های انتخابات، برای جلوگیری از آسیب‌ها و تهدیدات امنیتی احتمالی آن برنامه‌ریزی نماییم.

الف) فرصت‌های انتخابات

انتخابات در جمهوری اسلامی همواره یک فرصت بوده است، فرصتی برای مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود، فرصتی برای «نه» گفتن به اشتباهات یک جریان سیاسی و امید یافتن به اصلاح امور با برنامه‌های جریان سیاسی دیگر. انتخابات فرصتی است که مردم به‌عنوان صاحبان اصلی انقلاب به مسئولان مختلف یادآور شوند که این مردم هستند که تعیین می‌کنند که چه افراد یا گروه‌هایی اداره جامعه را به دست گیرند، فرصتی است که مردم نشان دهند حکومت از آن‌هاست و فاصله‌ای بین مردم و حاکمیت در میان نیست. انتخابات حامل فرصت‌های زیادی است که اهم آن‌ها به‌قرار زیر می‌باشند:

۱. تعمیق و ارتقاء امنیت مردم پایه

نظام‌های مردم‌سالار نمی‌توانند به خواست و نظر مردم بی‌توجه باشند. چنین نظام‌هایی مادام که شاهد حضور مردم در صحنه‌های مختلف باشند، امنیتی رو به ارتقاء خواهند داشت چراکه مردم خود با عوامل ناامن کننده جامعه برخورد می‌نمایند، اما اگر مردم بین خود و حاکمیت جدایی احساس نمایند یا به این نتیجه برسند که رأی و نظر آن‌ها تغییری در روش‌های حاکمیت ایجاد نمی‌کند، آنگاه به طرق مختلف ناراضی‌تی خود را از حکومت اعلام می‌کنند که ساده‌ترین شکل آن، نافرمانی مدنی خواهد بود.

به میزانی که قاطبه مردم سر ناسازگاری با حاکمیت و یا قوانین و ارزش‌های آن پیدا نمایند، به همان میزان تأمین امنیت جامعه با مشکل مواجه خواهد شد. این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که از نظر امام راحل «خطر اصلی نظام و عامل شکست





آن، نه تهدیدهای نظامی بیگانگان، بلکه جدایی مردم از حکومت و مشارکت گریزی آنان از سیاست و نارضایتی عمومی از ارکان دولت است. درواقع مردم و حکومت در نظام دینی رابطه‌ای دوسویه و مشروط به یکدیگر دارند. مردم حامی حکومت و حکومت خادم ملت است و باوجود حمایت از حکومت و خدمت برای ملت امنیت محقق می‌شود.» (کریمی مله - بابایی، ۱۳۹۲، ۱۵۱) از همین روست که امام خمینی «ره» می‌فرماید: «تا این مردم رادارید، خوف اینکه بتوانند به شما آسیب برسانند، هیچ نداشته باشید» (صحیفه نور، ج ۱۵، ۳۵۶)

یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های سنجش مقبولیت نظام و رضایت مردم از آن، میزان مشارکت آن‌ها در انتخابات اعم از ریاست جمهوری، مجلس یا شوراهاست، لذا تأکیدات مکرر رهبر معظم انقلاب مبنی بر حضور حداکثری مردم پای صندوق‌های رأی را بر همین مبنا می‌توان ارزیابی نمود. ایشان به‌عنوان رهبری حکیم، دورنمای مشارکت حداکثری یا حداقلی مردم را از زمان قبول زعامت جامعه اسلامی به‌درستی تشخیص داده و در هر دوره بر حضور حداکثری مردم در انتخابات تأکید نمودند.

در مکتب امام راحل پیامدهای مشارکت مردم تا جایی است که تأمین امنیت جامعه بدون حضور آن‌ها را ناممکن می‌دانستند. «مکانیسمی که امام مبتنی بر اندیشه‌های سیاسی خود به این مهم جنبه عملی داده است، مشارکت مردم و حضور آن‌ها در صحنه‌های مختلف در جهت تأیید و نظارت بر حکومت از طریق انتخابات، راهپیمایی‌ها و سایر عرصه‌های اجتماعی است... تاریخ حکومت ج.ا.ا به‌وضوح بر این نکته صحه می‌گذارد که بسیاری از مسائل و چالش‌ها و بحران‌های امنیتی نظام، بدون حضور و همراهی و حمایت مردم از مبانی حکومت، هرگز توسط نهادهای نظامی، امنیتی و اطلاعاتی قابل حل نبود.» (خسروی، ۱۳۹۱، ۱۷۸)

۲. استحکام ساخت درونی قدرت نظام

کشورها برای پیشرفت و توسعه خود دو رویکرد متفاوت را برمی‌گزینند، برخی کشورها مانند مالزی، مصر، کره جنوبی و ترکیه با رویکرد ساخت بیرونی قدرت دست به توسعه و ساخت و تقویت قدرت درونی زده‌اند و هرچند در ابتدای امر توانسته‌اند در مظاهر تمدن



و پیشرفت قدم‌هایی بردارند، اما در بلندمدت با مشکلات عدیده‌ای روبرو شدند که یکی از آن‌ها دست برتر همان قدرت‌هایی است که این کشورها با اتکا به آن‌ها درصدد تقویت قدرت درونی خود برآمده‌اند. شاهد این مثال کشور مالزی به رهبری ماهاتیر محمد است که زمانی کشورش را به‌عنوان ببر اقتصادی منطقه می‌نامیدند اما با چند ترفند مالی سرمایه‌گذاران بین‌المللی، دچار بحران‌های شدید مالی شد تا جایی که معمار توسعه مالزی اعتراف کرد که باید به مردم مالزی اتکا می‌می‌کردیم نه به قدرت‌های اقتصادی خارجی. از همین روست که رهبری می‌فرمایند: «باید هرچه می‌توانیم خود را در داخل مقتدر کنیم و دل به بیرون نبندیم چراکه هر کس به بیرون دل ببندد وقتی با فشارها مواجه می‌شود، خلع سلاح خواهد شد.» (۱۳۹۲/۴/۳۰)

■ چستی ساخت درونی قدرت نظام

نظام‌های بشری متناسب با فرهنگ، باورها و جهان‌بینی مردم خود از یک نوع مدل حکومتی برخوردارند که جامعه خویش را بر آن مبنا اداره می‌نمایند. این نظام‌ها طبعاً برای اداره امور و مواجهه با تهدیدات درونی و برونی خود نیازمند میزانی از قدرت و اقتدار می‌باشند. عواملی هم که موجب قدرت و اقتدار می‌گردند متنوع و متعدد می‌باشند. در گذشته این عوامل بیشتر جنبه سخت‌افزاری داشت و حکومت‌ها بر پایه ارتش و قوای مسلحی که برای خود فراهم می‌نمودند، قدرت آن‌ها نیز شکل می‌یافت. در این نوع از ساخت قدرت، تعداد نیروی انسانی و قدرت و مهارت فردی آن‌ها، تجهیزات و قدرت و مهارت فرماندهی، تعیین‌کننده میزان قدرت آن نظام به شمار می‌رفت؛ اما به تدریج که عوامل مؤثر در اداره جامعه گسترش یافت و وسایل ارتباطی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین این عوامل متحول و متنوع گشت، عوامل مؤثر بر قدرت نیز دچار تغییر و تحول شدند. به سخن دیگر متغیرهای مؤثر در ساخت درونی قدرت دچار تحولات اساسی گردیدند و «مردم» به‌عنوان یک متغیر اصلی در ساخت درونی قدرت نظام‌های متفاوت، جایگاه رفیعی یافت.

حکومت‌ها پس از این تحول در شکل‌گیری ساخت درونی قدرت، تلاش زیادی برای جلب نظر مردم و یا هدایت مردم به‌سوی آنچه برای خود مفید تشخیص می‌دادند، انجام





می‌دادند زیرا حضور مردم در صحنه‌های مورد نیاز حکومت مساوی با بقاء و استحکام ارکان حکومت به شمار می‌رفت. البته در حال حاضر حکومت‌هایی که به شکل دیگری بقای خود را دنبال می‌کنند، هستند، اما آن‌ها نیز تلاش دارند تا به نوعی خود را طرفدار مردم خویش جلوه دهند. این کشورها معمولاً تلاش دارند تا با اتکا به یک قدرت خارجی ساخت قدرت خویش را استحکام بخشند.

در نهایت آنکه ساخت درونی قدرت عبارت از عوامل و عناصری است که تشکیل دهند شاکله قدرت نظام می‌باشد. مؤلفه‌های قدرت نظام در حوزه‌های مختلف پراکنده است، حوزه‌های فرهنگی، علمی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی از جمله مهم‌ترین حوزه‌هایی است که توانمندی حکومت‌ها در آن‌ها، تشکیل‌دهنده ساخت درونی نظام محسوب می‌شود.

علاوه بر مطالب فوق اصول دیگری در استحکام ساخت درونی قدرت نظام مؤثرند که عبارتند از:

الف) توجه به کرامت انسانی

ب) محبت و مهرورزی با مردم

ج) مشورت و مشارکت دادن مردم در امور

د) اهتمام به امور مستضعفان

ه) رعایت عدالت و برابری

بند (ج) که متناسب با موضوع این مقاله است یعنی مشورت و مشارکت دادن مردم در امور به صراحت به این نکته اذعان دارد که «مشارکت دادن مردم در امور مایه الفت اجتماعی و پیوند آن‌ها با یکدیگر می‌شود و نشان خواهد داد که توده مردم در سرنوشت خویش شریک بوده و انزوا و کناره‌گیری از مسائل اجتماعی از آن‌ها دور می‌باشد و وقتی متولیان نظام به این اصل پایان باشند، روحیه مسئولیت‌پذیری در مردم قدرت گرفته و پیوندها محکم شده و فاصله‌ها میان دولت و مردم از بین رفته و همگان در میدان تلاش و پیشرفت جامعه مشارکت خواهند کرد و نظام را از هر گزند صیانت خواهند کرد.» (جعفری: ۱۳۹۶)

۳. افزایش سرمایه اجتماعی

«سرمایه اجتماعی یک منبع قدرت جدید به شمار می‌آید که می‌تواند همانند سلاح، پول و یا زور در خدمت دولتمردان قرار گیرد. تفاوت این منبع قدرت با سایر منابع موجود در جوهر آن‌هاست که به‌جای داشتن هویتی سخت افزارانه، ماهیتی نرم‌افزارانه دارد. وضع مفهوم قدرت نرم دلالت به این معنا دارد و نشان می‌دهد که چگونه یک نظام سیاسی می‌تواند از سرمایه اجتماعی در راستای بسیج نیروها و بالا بردن سقف مقاومت جامعه و حتی تهییج آن برای تحقق اهدافش بهره‌برد.» (افتخاری: ۱۳۸۷، ۲۸)

عنصری که هویت سرمایه اجتماعی را شکل می‌دهند عبارتند از اعتماد که درون‌مایه سرمایه اجتماعی تلقی می‌شود، اعتبار که در حکم پشتیبان بازیگر و همچنین عینیت یافتگی سرمایه اجتماعی محسوب می‌شود و وفاداری که هسته اصلی در سرمایه اجتماعی عنوان شده است. (افتخاری: ۱۳۸۷، ۲۰ تا ۲۲) البته برخی دیگر از صاحب‌نظران تا بیست‌ویک عنصر را برای سرمایه اجتماعی برشمرده‌اند اما دکتر افتخاری آن‌ها را در این سه دسته کلی تقسیم نموده است؛ اما دکتر حسینی انسجام اجتماعی، اعتماد اجتماعی، آگاهی‌های عمومی، رضایتمندی اجتماعی، تعاملات اجتماعی، تعاون اجتماعی، عدالت و نظم و احساس تعلق اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و رفاه اجتماعی، شادابی و نشاط عمومی، امنیت و احساس امنیت، نظارت همگانی، وجود ارزش‌های مشترک و فضای سالم اخلاقی، سرمایه فکری، مردم‌سالاری و توسعه همه‌جانبه به همراه پرهیز از بیگانگی سیاسی و خنثی‌گرایی را از عناصر و اجزای سرمایه اجتماعی می‌داند. (حسینی: ۱۳۸۷، ۱۰۴ تا ۱۰۵)

امروزه یکی از فرصت‌هایی که انتخابات برای کشور و نظام اسلامی فراهم می‌کند افزایش سرمایه اجتماعی است، سرمایه‌ای که یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن تأمین امنیت در جامعه است. سرمایه اجتماعی ناظر به شاخص‌هایی است که به تقویت شبکه روابط اجتماعی و تسهیل فرآیند گردش امور در این شبکه و درنهایت افزایش کارآمدی آن در عین ثبات یا کاهش هزینه‌های فعالیت در آن دلالت دارد. (افتخاری، ۱۳۸۷/ ۱۷). عناصر تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی همگی ناظر بر یک واقعیت عینی است و آن ارتباط‌گیری مثبت، منظم و مؤثر مردم با حاکمیت می‌باشد و طبیعی است که اولین





خروجی این شاخص‌ها ارتقاء امنیت و کاهش هزینه‌های تأمین آن در جامعه خواهد بود. علاوه بر عناصر گفته شده سه مؤلفه سرمایه اجتماعی اعتبار، وفاداری و امید است (افتخاری ۱۳۸۷، ۲۰ تا ۲۲) اعتبار در سرمایه اجتماعی به این معناست که تصمیمات حاکمیت به استناد آن قابلیت اجرا و تحقق می‌یابد، اما مؤلفه وفاداری که به عنوان هسته اصلی سرمایه اجتماعی هم مطرح است عامل حمایت و پشتیبانی از نظام، ارزش‌ها و اهداف آن محسوب می‌شود و به نظام سیاسی این امکان را می‌دهد که با برنامه‌ریزی‌های مناسب روند پیشرفت کشور را در حوزه‌های مختلف تضمین کند، اما آخرین مؤلفه سرمایه اجتماعی امید است، مؤلفه‌ای که مهم‌ترین عامل انگیزشی مردم در تلاش و تحرک برای اصلاح امور و مقابله با مشکلات پیش روست.

۴. افزایش مقبولیت

بسیاری از نظام‌های سیاسی تمایزی بین مشروعیت و مقبولیت قائل نیستند و نظام حاکم همین که بر اساس قوانین کشور قدرت را در دست گرفته باشند خود را نظام مشروع و قانونی می‌دانند. درحالی که «باید بین مشروعیت و مقبولیت حکومت دینی تفاوت قائل شد. امروزه در جامعه ما خصوصاً در محافل دانشگاهی، ما با یک خلط مبحث در خصوص مشروعیت و مقبولیت مواجهیم که مرهون متون ترجمه‌ای علوم سیاسی است که در دانشگاه‌ها تدریس می‌شود. واژه legitimacy که به معنای مشروعیت در فرهنگ‌ها زبان ترجمه شده است در مغرب زمین درواقع به معنای مقبولیت و قانونی بودن دولت یا حکومتی به کار می‌رود. درحالی که در نظام اسلامی ما با دو واژه متفاوت مقبولیت و مشروعیت برای نظام مواجهیم. منظور از مقبولیت اقبال و حمایت مردمی از حکومت است که رکن اصلی برای تشکیل حکومت محسوب می‌شود، به این معنی که در صورت عدم وجود آن حکومت دینی امکان شکل‌گیری نخواهد یافت. در کنار آن منظور از مشروعیت، تأیید حکومت توسط دین و خداست. در اینجا مشروعیت را شرع می‌بخشد درحالی که در فرهنگ سیاسی غرب مشروعیت را مردم به حکومت عطا می‌کنند که متأسفانه در متون سیاسی دانشگاهی به این نوع تفکیک معانی کمتر توجه می‌شود.» (رساله گروهی، ۱۳۹۴، ۲۱۱)



در نظام اسلامی، حاکمیت از آن خداوند است و هم او حاکمیت در زمین را با ترتیباتی که مشخص کرده است به افراد برگزیده خود واگذار می‌کند. به عبارت دیگر مشروعیت حکومت در آموزه‌های الهی، از ناحیه شارع مقدس است و مردم، فعلیت‌بخش و قدرت ساز حکومت محسوب می‌شوند. در طول تاریخ اسلام نمونه‌های روشنی از این موضوع وجود دارد که امام حسن (علیه السلام) مصداق بارز آن است. وقتی مردم با دسایس معاویه از پیرامون امام مشروع پراکنده شدند، حکومت ایشان هرچند که مورد تأیید شارع مقدس بوده، از هم پاشید و نظام طاغوت جایگزین آن شد.

مؤلفه مردم‌سالاری دینی با شاخص‌های مشارکت در انتخابات، اهمیت بالایی را دارد و در دیدگاه امام خمینی (ره) و امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) تأکیدات وافری در این زمینه وجود دارد، به عبارت دیگر پیش از هر انتخاباتی این دو رهبر فرزانه بر مشارکت همه مردم اصرار می‌ورزیدند. حضور مردم پای صندوق‌های رأی نشان‌دهنده مقبولیت نظام سیاسی است و سنجشی پذیرفته‌شده در عرصه بین‌الملل است. نظام سلطه نمی‌تواند نسبت به حکومت‌هایی که از پشتوانه مردمی بالا برخوردارند هرگونه تهدیدی را بنماید و حضور گسترده مردمی در انتخابات تأثیر مستقیم بر ارتقاء امنیت ملی دارد. (حبیب‌زاده، ۱۳۹۶، ۲۴۹)

ب) آسیب‌ها و تهدیدات

انتخابات در کنار فرصت‌های متعددی که برای نظام و جامعه دارد، همواره مورد طمع دشمنان ملت ایران بوده و خواهد بود. علاوه بر این رقابت‌های انتخاباتی در بطن خود آسیب‌هایی را هم می‌توانند شکل دهند، طبیعی است نامزدهای انتخاباتی و طرفداران آنها همه تلاش خود را برای پیروز شدن بنمایند، اما در این میان برخی افراد هم با نادیده گرفتن قواعد رقابت سالم، در مسیری وارد می‌شوند که مشکلات و چالش‌های سیاسی و امنیتی برای مردم و جامعه ایجاد می‌کنند و باعث ایجاد آشوب و بلواهای محدود و یا گسترده می‌شوند. این آسیب‌ها و یا تهدیدات از ماه‌ها قبل از انتخابات شکل گرفته و تا چند روز و در موارد معدود تا ماه‌ها پس از اعلام نتایج آن، ادامه می‌یابد. اهم آسیب‌ها و تهدیدات انتخابات به‌قرار زیر می‌باشند:





۱. نفوذ و استحاله

عوامل استحاله نظام دینی می‌تواند عوامل ذیل باشد:

۱. **قدرت‌طلبان غیر معتقد به حکومت دینی** که خود به دودسته تقسیم می‌شوند:

قدرت‌طلبان کافر - قدرت‌طلبان منافق

۲. **نفوذ عناصر تحول‌ناپذیرفته:** ورود و شکل‌گیری جریان نفاق در درون جامعه می‌تواند

عامل استحاله نظام دینی باشد؛ که نفاق به دو شکل کلی نفاق خوفی و نفاق طمع‌ی و به‌منظور: حفظ نفرت، دستیابی به مشاغل حساس، استحاله نظام و اجرای پروژه‌ها جریان پیدا می‌کند.

۳. **مردم:** وجود دلایل و موارد ذیل در میان مردم می‌تواند از علل و عوامل استحاله

نظام دینی باشد:

بقایای عادات و رسوم جاهلی، تأثیرپذیری اقشار جامعه و اعتماد به خواص.

۴. **خواص:** چون خواص در میان مردم و جامعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند و مردم به آنان اعتماد دارند و در بسیاری موارد تابع رأی و نظر آن‌ها هستند، لذا چنانچه خواص منحرف شوند مردم تابع آنان هم به انحراف کشیده می‌شوند. بر این اساس انحراف خواص می‌تواند از دیگر عوامل استحاله نظام دینی می‌باشد؛ که انحراف خواص خود منشاء مختلفی می‌تواند داشته باشد که عبارتند از: دنیاگرایی مجاهدین و گرایش به دنیا، ظهور متعصبین مقدس-تقدم شور دینی بر شعور دینی، نگاه حزبی و قبیله‌ای به قدرت، نفوذ عناصر نااهل در چرخه قدرت، شکل‌گیری طبقه‌ای از اشراف و فقدان بصیرت از آن جمله می‌باشد. (رساله گروهی، ۱۳۹۴، ۱۰۷ و ۱۰۸)

همان‌گونه که در مقدمه این مقاله آمد دشمنان ریزودرشت ملت ایران همواره بر تحریم انتخابات اصرار می‌کردند و از ماه‌ها قبل از شروع پروسه آن با تبلیغات منفی و پرحجم سعی در مأیوس کردن مردم از شرکت در انتخابات می‌نمودند؛ اما انتخابات در ج.ا. همواره با مشارکت بالای مردم برگزار می‌شد و تحریم‌کنندگان انتخابات هر بار سرافکنده‌تر از گذشته، از حضور گسترده مردم انگشت حیرت به دهان می‌گرفتند.

اما مخالفان خارج نشین و منتقدان و مخالفان درونی چند دوره‌ای است که تغییر رویه داده و با اهداف مختلف از نامزد یا نامزدهایی در انتخابات حمایت می‌کنند، این



اهداف می‌تواند از ایجاد اختلاف در حاکمیت تا نفوذ در ارکان حاکمیتی را در برگیرد. امروزه نفوذ فکری، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی بسیار خطرناک‌تر از نفوذ امنیتی در سابق است که در اصطلاح به آن‌ها «جاسوس» گفته می‌شد. نفوذ در حوزه انتخابات و نامزدهایی که وارد می‌شدند را رهبر معظم انقلاب به‌خوبی تبیین کرده و نسبت به آن هشدار می‌دهند تا جایی که انتخابات فرصت را تبدیل به مصیبت می‌شود. «ملت باید آگاه باشد اگر کسانی بر سرکار بیایند که در مراکز گوناگون سیاسی یا اقتصادی به‌جای اینکه به فکر ادامه راه امام و ارزش‌ها و اصول ترسیم‌شده به‌وسیله امام باشند، به فکر به دست آوردن دل فلان قدرت غربی و فلان مستکبر بین‌المللی باشند، برای ملت ایران مصیبت خواهد بود، این آگاهی برای ملت لازم است.» (۱۳۸۸/۲/۲۸)

ایشان در موقعیت دیگری با ابراز نگرانی از خط نفوذ می‌فرمایند: «این کشور آسان استقلال خود را به دست نیاورده است. مبدا کسانی وارد مجلس شوند که آنتن‌هایشان را به آن سمت تنظیم کرده باشند، هر چه از آنجا می‌آید، بگیرند و در داخل به زبان دیگری منتشر و منعکس کنند. همه نگرانی من از این است.» (۱۳۷۵/۱/۲۸)

موضوع نفوذ چنان خطرناک است که یکی از هشدارهای اصلی رهبر انقلاب به مسئولان گوناگون و اقشار مختلف مردم مراقبت از این ترغیب دشمن است و حال که یکی از بسترهای «نفوذ» را مسیر انتخابات تشخیص داده‌اند، مراقبت دستگاه‌های نظارتی و آحاد مردم در این خصوص ضرورتی مضاعف می‌یابد.

۲. اتهام‌زنی و اعتبار زدایی

یکی از الزامات مشارکت حداکثری مردم در انتخابات وجود شورونشاط و فضای رقابتی آن است، اما این امر با تشنج و درگیری و اتهام‌زنی متفاوت است. رهبر معظم انقلاب در این زمینه می‌فرمایند: «انتخابات باید در فضایی انجام گیرد که هم پرشور و زنده و بانشاط باشد، هم آرام و متین باشد، یعنی شورونشاط باشد، اما تشنج نباشد، متانت و آرامش و اطمینان و استقرار باشد... هرکس این‌طور عمل کند خدمت کرده است و هرکس عکس این عمل کند، ... یا فضا را با شایعه‌پراکنی و تهمت‌زنی و درگیری‌های دروغین ملتهب کند و از آرامش بیرون بیاورد، خیانت کرده است هرکس می‌خواهد





باشد» (۱۳۷۸/۱۱/۱۳)

اتهام تقلب خطرناک‌ترین اتهامی است که در خصوص انتخابات برخی عناصر داخلی با حمایت رسانه‌های خارجی و با فضا سازی سایبری مطرح می‌کنند. این امر در برخی ادوار از ماه‌ها قبل از انتخابات مطرح شده و زمینه پذیرش روانی آن را بعد از اعلام نتایج، ایجاد می‌نمایند. تحریک مردم و هواداران برخی از نامزدها برای اردو کشی‌های خیابانی و ایجاد ناامنی در جامعه از پیامدهای اتهام تقلب است.

اتهام‌زنی از سوی نامزدهای انتخاباتی معمولاً باهدف تخریب رقیب خود صورت می‌گیرد که البته امر مذمومی است، اما در مواردی اتهاماتی که از سوی برخی از نامزدهای حاضر وارد می‌شد، گذشته و عملکرد نظام اسلامی را هدف قرار می‌دهد و این امر برای انتخابات آینده هم محتمل به نظر می‌رسد، امری که مستقیماً به اعتبار زدایی از حاکمیت می‌انجامد و برای برخورد با آن باید برنامه‌ریزی نمود.

خرید و فروش رأی، اغواگری و زدوبند با صاحبان ثروت، وامدار شدن افراد به مراکز قدرت و ثروت قبل از حضور در مناصب انتخابی حاکمیت، از موارد دیگری است که در بلندمدت به اعتبار زدایی از نهادهای حاکمیتی می‌انجامد. این رویه نوعی از فساد پنهان را به همراه دارد که حاکمیت را از درون همچون مورپانه خواهد خورد و انواع فسادهای سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی را نیز به دنبال می‌آورد.

علاوه بر موارد فوق زمزمه و پیشنهاد نظارت کشورهای خارجی به انتخابات، بزرگ‌ترین توهین به سلامت نظام و بستر سازی برای دخالت بیگانگان در امور داخلی کشور است. این امر ضمن آنکه اعتباری برای نظام باقی نمی‌گذارد، بستری برای ورود انبوهی از جاسوسان کشورهای خارجی فراهم می‌کند که به صورت قانونی وارد کشور شده و آزادانه در داخلی‌ترین لایه‌های سیاسی و اجتماعی ورود کرده و به نفع نظام سلطه و دشمنان ملت ایران نقش آفرینی کنند. این پیشنهاد با تبعات خطرناک امنیتی که دارد، در ادوار گذشته توسط یک جریان سیاسی غرب‌گرا در کشور داده شده و بعد از این هم با توجه به تعلل دستگاه‌های نظارتی و قوای قهریه نظام نسبت به آن، بعید نیست دوباره مطرح شود.



۳. دو قطبی‌سازی جامعه

دو قطبی‌سازی جامعه در تقابل با اتحاد و انسجام ملی است، هرگاه وحدت و انسجام ملی در کشور حکم‌فرما بوده پیروزی‌های شگرف از آن ملت ایران شده است، نمونه‌های بارز آن پیروزی ملت مقابل رژیم وابسته شاه و پیروزی در برابر توطئه‌های ضد امنیتی ابتدای دهه ۶۰ و توطئه‌های رنگارنگ نظام سلطه و نهایتاً پیروزی بزرگ ملت در جنگ تحمیلی هشت‌ساله است، اما هرگاه دچار تفرقه شدیم و دودستگی در جامعه شیوع یافته ضرر کردیم و ضربه خوردیم.

قرآن پیوند مؤمنان را پیوند دل‌هایی می‌داند که از استحکام خاصی برخوردارند (انفال: ۱۶) و این همگرایی در صورتی تحقق می‌یابد که مردم بر دین تأکید ورزند و به اصول آن توجه کنند. (آل عمران: ۱۰۳) (سبزیان، ۱۳۸۶، ۲۴ و ۲۵)

معمولاً زمینه‌های تفرقه ابتدا در داخل شکل می‌گیرد، اما بلافاصله عناصر خارجی با بوق‌های تبلیغاتی بر آتش تفرقه می‌دمند و اگر زمینه پیدا نمایند تا ایجاد جنگ داخلی هم پیش می‌روند مانند زمان فتنه ۱۳۸۸ که در تشدید اختلافات داخلی هر آنچه توانستند، انجام دادند و حتی سناریوهایی مانند قتل‌های ساختگی برای تهییج بیشتر مردم را اجرا کردند و اگر نبود رهبری حکیمانه امام خامنه‌ای (مدظله) و هوشیاری قاطبه مردم، دشمنان ملت تا فروپاشی نظام، تفرقه‌افکنی خود را دنبال می‌کردند.

رهبر معظم انقلاب وحدت مردم و تلاش برای ایجاد دودستگی در زمان انتخابات را به‌خوبی ترسیم کرده و می‌فرماید: «انتخابات در کشور ما برخلاف بعضی از کشورهای دیگر، همیشه مظهر وحدت ملت و نمایشگر عزت ملی بوده، چون هرکسی که پای صندوق رأی می‌آید و رأی به صندوق می‌اندازد، درواقع رأی به جمهوری اسلامی و نظام اسلامی را تکرار می‌کند. لذا همیشه ... بنده اصرار داشتم برافزایش آحاد شرکت‌کننده در رأی دادن {اما} ما باید سعی کنیم، دقت کنیم که انتخابات مایه انشقاق نشود، ... اینکه ما تصور کنیم که یک گروه مثلاً بیست چهارمیلیونی یک طرفند، یک گروه چهاردهمیلیونی یک طرفند، این به نظر من یک خطای بزرگی است، قضیه این‌جور نیست. همه در یک طرف قرار دارند» (۱۳۸۸/۳/۲۶)

معمولاً زمینه‌های دو قطبی‌سازی جامعه چند ماه قبل از انتخابات ایجاد می‌شود و



یک جریان سیاسی مشخص یکی دو دهه است که با ترفند دوقطبی سازی جامعه و با حاشیه سازی های مختلف، هزینه های امنیتی زیادی برای کشور ایجاد کرده است. مردم باید مراقب چنین فریب هایی باشد و ناخواسته تکمیل کننده پازل دوقطبی سازی جامعه نباشند. رفتارها، کنش و واکنش های سیاسی و موضع گیری ها قبل از شروع پروسه انتخابات، باید بسیار هوشمندانه باشد و هیچ حرکتی که خدشه به انسجام ملی وارد می کند، صورت نگیرد. نکته مهم در پیدایش این وضعیت قدرت طلبی های موجود در جریان های سیاسی حاضر در عرصه رقابت است، کم نیستند افرادی در جناح های موجود که هدف اصلی آن ها رسیدن به قدرت است و تحقق هدف خود را در ایجاد جنجال و دودستگی در جامعه می دانند. این گونه افراد معمولاً در هر جناحی که قرار می گیرند مواضع تندتر و بیان گزنده تری دارند و نیاز به مراقبت و برخورد هوشمندانه تری هم در مواجهه با آن ها وجود دارد.

تجربه نشان داده شکل گیری فضای دوقطبی علی رغم افزایش مشارکت مردمی، در حوزه امنیتی چالش هایی برای کشور ایجاد کرده و تبعات آن برای کشور مشکل ساز بوده است زیرا دشمنان و مخالفان نظام اسلامی با بهره گیری از امپراتوری های رسانه ای این تلقی را افکار عمومی پدید می آورند که یک قطب با نظام و قطب دیگر علیه نظام است و فضای رقابت را از عقلانیت خارج کرده و رفتارهای احساسی و هیجانی را حاکم می کنند. لذا تجربه حکم می کند که از شکل گیری فضای دوقطبی در زمان انتخابات جلوگیری شود. برای این امر لازم است دستگاه های تبلیغی نظام هوشمندانه عمل نمایند و از سوی یک اتاق فرمان واحد، هدایت شوند، امری که تاکنون وجود نداشته، چه بسا لازم باشد در ادواری سکوت پیشه نمایند و یا تاکتیک هایی بکار برند که قطب زاویه دار با نظام را چندپاره کنند و... این امور نیازمند وجود تیم های کارشناسی متشکل از متخصصان امور تبلیغاتی، روانشناسان متبحر، رفتارشناسان خبره و امثالهم می باشد. پرواضح است در این روند امامان جمعه، خطبای مشهور، مسئولان اجرایی و نظارتی و... نقش غیرقابل انکاری در پیدایش یا ممانعت از دوقطبی سازی جامعه دارند که برای توجیه آنان باید طراحی و اقدام لازم صورت گیرد.

۴. مطالبات انباشته

همه می‌دانند امکانات و ظرفیت‌های کشور محدود است و انتظارات مردم باید متناسب با آن‌ها باشد. از طرفی نامزدهای حاضر در رقابت‌های انتخاباتی غالباً برای جلب آرای مردم وعده‌های مختلفی می‌دهند که نه جزو اختیارات آن‌هاست و نه امکانات موجود اجازه برآوردن آن‌ها را می‌دهد. این رویه غلط در ادوار مختلف اتفاق افتاده و در هر دوره سطح مطالبات مردم افزایش یافته است، مطالباتی که برآورده نشده و به‌صورت انباشته‌شده، نارضایتی مردم را به دنبال داشته است.

این مطالبات عمدتاً در حوزه اقتصادی و عمرانی است که نامزدهای شهرهای کوچک به آن دامن می‌زنند، اما در شهرهای بزرگ وعده‌هایی در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی و سیاسی داده می‌شود که آن‌ها نیز بعضاً با فرهنگ و آموزه‌های اسلامی و یا ساختار سیاسی نظام تناسبی ندارند.

مرور زمان و افزایش سطح مطالبات برآورده نشده، نارضایتی‌های ناشی از آن‌ها را به اعتراض و در قدم‌های بعدی، به آشوب تبدیل می‌کند که همه تهدید جدی علیه امنیت جامعه محسوب می‌شوند. در این میان عدم اطلاع‌رسانی مناسب در حوزه اختیارات نامزدهای سطوح مختلف در صورت انتخاب شدن و همچنین عدم تبیین امکانات کشور، فرصت مناسبی برای این دست از نامزدها فراهم آورده که همچنان با دادن وعده‌های بی‌محل به گسترش و افزایش مطالبات جامعه بپردازند و احتمالاً برنده انتخابات شوند، اما نسبت به انتظارات ایجادشده و تبعات بعدی آن پاسخگو نباشند. رهبر معظم انقلاب اسلامی ضمن هشدار به نامزدهای انتخاباتی در این خصوص خطاب به آن‌ها می‌فرمایند: «وعده‌هایی که معلوم است نمی‌توانند به آن‌ها عمل کنند، به مردم ندهند. آنچه در چارچوب قانون اساسی است و امکانات مملکت از امکان آن حکایت می‌کند، آن را به مردم بگویند» (۱۳۸۰/۲/۲۸) و درجایی دیگر فرمودند: «من از نامزدها خواهم می‌کنم در تبلیغات، حرف‌های واقعی بزنند و کارهایی که می‌توانند انجام دهند و آنچه واقعاً عقیده‌شان هست به مردم بگویند» (۱۳۸۲/۱۱/۲۴)

اولین تبعات مطالبات انباشته و برآورده نشده، افزایش ناامیدی و اعتبار زدایی از حاکمیت است و این خود زمینه و بستر ناامنی در جامعه را فراهم می‌کند. دستگاه‌های



مسئول در امر انتخابات به دلایل متعدد انگیزه و اراده‌ای برای ورود به این موضوع و پیشگیری از آن را ندارند درحالی که می‌توان در این زمینه با طراحی اقداماتی، از گستره این مسئله کاست.

مرحله اول پیشگیری از این امر، تبلیغات و فرهنگ‌سازی برای جامعه رأی‌دهنده و نامزدهاست، صداوسیما در این خصوص می‌تواند تأثیرات مثبتی بگذارد و مرحله دوم ورود دستگاه‌های امنیتی قبل از شروع تبلیغات است، به این معنی که با دعوت از نامزدها هشدارهای لازم در خصوص تبلیغات خلاف واقع و ارائه وعده‌های بی‌مبنا را داده و تضمین لازم را در خصوص پذیرش این امر از آنان اخذ نمایند و در صورت تخلف آن‌ها از این امر، بدون ملاحظه با آن‌ها برخورد نمایند. مسئولان امنیتی باید مطمئن باشند برخورد با یک نامزد انتخاباتی که زمینه‌های ناامنی را ایجاد می‌کند، بسیار کم‌هزینه‌تر از برخورد با ناامنی‌هایی خواهد بود که ایجاد خواهند کرد. طبعاً در این خصوص اگر نیاز به قانون‌گذاری مجلس وجود دارد باید اقدامات لازم صورت گیرد.

تأمین امنیت کشور بر عهده نیروهای مسلح است و بدیهی است که تأمین امنیت بدون مقابله با بسترها و زمینه‌های ناامنی ممکن نیست، لذا مسئولان نیروهای مسلح و دستگاه‌های اطلاعاتی باید با رعایت ملاحظات موجود، اما قاطعانه در این زمینه ورود کرده و اجازه ندهد ملاحظات سیاسی دستگاه‌های اجرایی یا نظارتی منجر به بروز ناامنی در کشور گردد.

جمع‌بندی

جلب مشارکت در عین حفظ اقتدار نظام

مردم‌سالاری دینی سازوکار بدیعی است که ج.ا.ا برای مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود ابداع نموده است. درگذشته برخی نظریه‌پردازان عرصه سیاست چنان وانمود می‌کردند که گویا امکان جمع بین «دین» و «مردم‌سالاری» وجود ندارد، اما شهید مطهری جمع بین این دو را به‌خوبی تبیین نموده است؛ آنجا که می‌گوید: «جمهوریت ظرفی است که در آن اسلامیت نهاده شده است» (مطهری: ۱۳۸۱، ۸۰) طبعاً مشارکت مردم در این سازوکار رکن اساسی است به این معنا که هر چه میزان مشارکت مردم



بیشتر باشد درجه مقبولیت نظام هم افزایش یافته و مردم بیشتر و عمیق‌تر نسبت به تحولات کشور خویش احساس مسئولیت و مشارکت نموده و در مواقع نیاز با حضور خود در جهت رفع مشکلات اقدام می‌نمایند. نکته مهم در جلب مشارکت حداکثری مردم درک و پابندی به الزامات چنین امری است.

در جامعه متکثر ایران که اقوام، اقشار، نگرش‌های متفاوت و دیدگاه‌های بعضاً متعارض سیاسی وجود دارد، تأمین الزامات جلب مشارکت حداکثری تا حدی مشکل به نظر می‌آید، اما درک صحیح از ضرورت و اهمیت مشارکت گسترده مردم در انتخابات کشور حل مشکلات این امر را آسان می‌نماید.

الف) یکی از الزامات اولیه این امر ترکیب و تنوع نامزدهای حاضر در صحنه رقابت است، به گونه‌ای که قاطبه مردم احساس نمایند نماینده‌ای در جمع نامزدهای حاضر در عرصه انتخابات دارند، از این رو می‌باید چتر تأیید صلاحیت‌ها به گونه‌ای باشد که امر فوق را در منظر عامه مردم عینی و واقعی جلوه دهد. در همین امر پارادوکسی وجود دارد، چراکه با توجه به راهبرد دشمن مبنی بر نفوذ در ارکان حاکمیت از مسیر انتخابات، نمی‌توان اجازه تساهل در این امر را داد، لذا باید دستگاه‌های اطلاعاتی کشور و مراجع ذی‌صلاح با در نظر داشت اهمیت دو موضوع فوق، صلاحیت‌ها را بررسی نمایند و با اخذ تضمین‌های لازم از نامزدها، آن‌هایی را که در مظان حرکت در مسیری غیر از تراز انقلاب هستند، کنترل نموده و یا از رقابت‌های انتخاباتی کنار گذارند.

ب) نکته مهم دوم آن است که انتخابات که قرار است مقبولیت نظام را به رخ جهانیان بکشد و باعث افزایش سرمایه اجتماعی نظام شود، به تعبیر رهبر معظم انقلاب می‌تواند چالش برانگیز هم باشد. حوادثی از نوع خرداد ۱۳۸۸ مؤید همین امر است. لذا برای حفظ هویت و اقتدار نظام در عین پابندی به نظام مردم‌سالاری دینی طرح داشت و برنامه‌ریزی کرد.

یکی از اشکالاتی که در زمان تبلیغات و عرضه برنامه‌ها و شعارهای نامزدهای انتخاباتی رخ می‌نماید، اولویت و ترجیح دهی منافع فردی و گروهی از سوی بسیاری از نامزدهای بر منافع ملی است. به عبارت دیگر نامزدهای انتخاباتی به تبعات امنیتی و سیاسی وعده‌ها، سخنان، شعارها و تخریب‌هایی که علیه رقبای خود می‌نمایند، واقف





نیستند و درک صحیحی از پیامدهای امنیتی رفتار خود در مقطع تبلیغات ندارند و یا تعهدی در خود نسبت به حفظ امنیت و منافع ملی احساس نمی‌کنند. در این خصوص مواضع مسئولان قضایی در گذشته که هشدارهایی در این موارد می‌دادند، بازدارندگی لازم را نداشته و ندارد و دلیل آن هم بی‌پشتوانه بودن آن هشدارها بوده است و تقریباً همه نامزدها مطمئن شده‌اند که در ایام انتخابات کسی از آن‌ها نسبت به گفتار و رفتاری که بروز می‌دهند، بازخواست نخواهد کرد.

ج) پیشنهاد می‌شود طرحی تدوین گردد که بر مبنای آن دستگاه‌های مربوطه قبل ورود افراد به عرصه رقابت‌های انتخاباتی (عمدتاً انتخابات مجلس شورای اسلامی) به صورت مکتوب یا حضوری ضمن ارائه اطلاعات، آیین‌نامه‌ها و هشدارهای لازم به آن‌ها، تضمین‌های لازم را برای رعایت موارد فوق از آن‌ها کسب نمایند و در صورت تخلف، بدون ملاحظه با آن‌ها برخورد قضایی شود، اعم از اینکه در مجلس انتخاب شوند یا خیر. در این صورت است که در ادوار بعدی نامزدهای عرصه فوق، خود را ملزم به رعایت مصالح کشور و اقتدار نظام خواهند دید. در همین زمینه باید ترتیباتی در مجلس دیده شود که اعتبارنامه افرادی که در زمان تبلیغات خود، منافع یا امنیت جامعه را به خطر انداختند رد شود.

البته حفظ اقتدار نظام و امنیت جامعه با توجه موضوع، نیازمند اقدامات عاجل‌تری نسبت به رد اعتبارنامه و امثالهم دارد، به این معنا که باید سازوکاری طراحی شود که هر نامزدی در حین تبلیغات که باعث ایجاد ناامنی می‌شود و یا زمینه‌سازی اغتشاش و ناامنی را می‌نماید در هر مرحله از فرآیند انتخابات با او برخورد شود. پرواضح است که چنین برخوردی نیازمند فرهنگ‌سازی و آماده‌سازی افکار عمومی برای انجام آن است. لذا پیشنهاد می‌شود در برنامه‌های تلویزیونی به تدریج آگاهی‌های لازم در موضوعات مورد اشاره در قالب برنامه‌های مستند، کلیپ، گفتگوهای کارشناسان و غیره ارائه گردد.

د) موضوع دیگری که نباید از آن غفلت کرد مجریان و ناظران هستند. هرچند نظام تاکنون بارها ثابت کرده که اجازه خیانت به رأی مردم را نداده است، اما بعضاً اظهارنظرها و موضع‌گیری‌های برخی از مسئولان اجرایی یا نظارت، مسئله‌ساز شده است. بر همین مبنا به این دو مجموعه باید هشدارهای لازم داده شود، زیرا کنش و



واکنش‌های این دو مجموعه در زمان انتخابات تأثیر غیرقابل‌انکاری بر امنیت کشور دارد، طبعاً سازوکار هشدار به مجریان و ناظران انتخابات متفاوت از هشدار به نامزدها خواهد بود و نیازمند سازوکار خاص خود خواهد بود.

صداوسیما مجموعه مهم دیگری است که نوع هدف‌گذاری آن در زمان انتخابات بسیار تعیین‌کننده حفظ اقتدار و امنیت یا کاهش امنیت جامعه خواهد بود. بعضاً مشاهده شده که هدف‌گذاری آن سازمان صرفاً جلب مشارکت حداکثری بوده است، لذا ناخواسته فضا را برای شکل‌گیری چالش‌ها و منازعات انتخاباتی ملتهب کرده است. لذا بخش‌های مرتبط این سازمان با موضوع انتخابات باید دائماً رصد شوند و در صورت لزوم رویه آن‌ها در زمان‌های مختلف فرایند انتخابات، اصلاح گردد.





منابع و مأخذ

- قرآن
- صحیفه نور
- سایت رهبر معظم انقلاب اسلامی
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷) دو چهره قدرت نرم، مقالات برگزیده بسیج و قدرت نرم، جلد اول، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج و دانشگاه امام صادق (ع)^(۴)
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۷) بازخوانی امنیتی سرمایه اجتماعی، مقالات برگزیده بسیج و قدرت نرم، جلد دوم، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج و دانشگاه امام صادق (ع)^(۴)
- سبزیان، علی اکبر (۱۳۸۶) منشور اتحاد ملی و انسجام اسلامی، قم، انتشارات خادم الرضا (ع)^(۴)
- حسینی، سیدرضا (۱۳۸۷) بسیج و سرمایه اجتماعی، مقالات برگزیده بسیج و قدرت نرم، جلد دوم، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج و دانشگاه امام صادق (ع)^(۴)
- حبیب زاده، قاسم (۱۳۹۶) طراحی الگوی راهبردی امنیت ملی با رویکرد اسلامی و با تأکید بر گفتمان ولایت، رساله دکتری، تهران، داعا
- خسروی، علیرضا (۱۳۹۱) مکتب امنیتی امام خمینی «ره»، تهران، ابرار معاصر
- جعفری، سید اصغر (۱۳۹۶) اصول بنیادین و الزامات راهبردی استحکام ساخت درونی قدرت نظام از دیدگاه امام و رهبری، فصلنامه پژوهش های انقلاب سال ششم تابستان ۱۳۹۶ شماره ۲ صفحات ۱۰۵ تا ۱۲۸
- جمعی از پژوهشگران (۱۳۹۴) نقش و رسالت رهبران الهی در صیانت از نرم افزار بعثت، تهران، رساله گروهی، داعا
- کریمی مله، علی / بابایی، اکبر (۱۳۹۲) امنیت ملی از منظر امام خمینی «ره»، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱) «پیرامون انقلاب اسلامی»، چاپ بیستم، تهران، انتشارات صدرا

